

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۰۵

۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۱

۱۰ مه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

کوروش مدرسی رئیس دفتر سیاسی

Tel: 0044 774 863 0833
koorosh@ukonline.co.uk

اسد گلچینی دبیر کمیته تشکیلات گل کشور
Tel: 0044-794-041-6768
asad.golchini@ukonline.co.uk

شهلا دانشفر دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب
Tel: 0046-739 855 837
r_hoseinzadeh@yahoo.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست
Tel: 0049-174-944-0201

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

شکست طرح تبانی دولت سویس، صلیب سرخ و جمهوری اسلامی

بر جمهوری اسلامی ۲۵۰ نفر پناهندگان و مخالفین حاضر در سالن پایان یافت. مهرنوش موسوی شکست آنرا به حاضرین تبریک گفت و پناهجویان او و فرشاد حسینی را در آغوش گرفتند. صدها نسخه از اعلامیه ها و نشریات حزب در میان حاضرین توزیع شد و تعداد زیادی از آنها خواستار همکاری و پیوستن به حزب و فراسیون پناهندگان شدند. خبر شکست این کنفرانس بلافاصله در رسانه های سویس منعکس شد، چندین رادیو و مرکز خبری سویس با فرشاد حسینی مصاحبه کردند و مصاحبه آژانس خبری سراسری سویس با فرشاد حسینی در روزنامه های این کشور درج شد. رادیو دیگری در شهر زوریخ نیز با مهرنوش موسوی در زمینه این کنفرانس و علت شکست آن مصاحبه کرد.

حزب کمونیست کارگری بار دیگر اعلام میکند که قاطعانه در برابر تلاشهای دولتهای غربی برای آبروخردن برای جمهوری اسلامی و نقض حقوق انسانی فراریان از جهنم اسلامی ایستادگی کرده و آنها را افشا خواهد کرد.

مهرنوش موسوی و فرشاد حسینی نمایندگان حزب کمونیست کارگری و فراسیون سراسری پناهندگان ضمن توضیح حقایق و بیحقوقی حاکم بر ایران و موقعیت زن در حکومت اسلامی، مطالبه نا امن اعلام کردن ایران، باز کردن مجدد کلیه پرونده ها و اعطای حق پناهندگی به کلیه زنان فراری از جوامع اسلامی را مطرح کردند. این امکانی شد برای پناهندگان که به ابراز نظر پرداخته و به مشکلات زندگی خویش و دلایل فرارشان از ایران بپردازند. نماینده صلیب سرخ که توطئه مشترکش با دولت سویس شکست خورده بود، به درخواست نمایندگان حزب و فراسیون لیستی تهیه کرد تا به مقامات اداره مهاجرت سویس به منظور رسیدگی تحویل دهد.

بدین ترتیب کنفرانسی که قرار بود تصویری انسانی از جمهوری اسلامی بدهد و تدارک اخراج وسیع پناهجویان ایرانی به جهنم جمهوری اسلامی را بدهد، به صحنه افشاکاری از رژیم اسلامی و سیاسهای غیرانسانی صلیب سرخ و دولت سویس تبدیل شد. کنفرانس در میان خوشحالی و فریادهای مرگ

صلیب رسما و چندین بار معذرتخواهی کرد و اعلام کرد که صلیب سرخ خود را از این موضوع کنار میکشد.

کنفرانس با اعتراض حاضرین شروع شد و از همان ابتدا تریبون به دست مخالفین جمهوری اسلامی افتاد. مهرنوش موسوی نماینده حزب کمونیست کارگری و فراسیون در سخنان خود ضمن افشاکاری از جمهوری اسلامی و سیاسهای راست و ارتجاعی دول غرب، سیاستهای صلیب سرخ را مورد حمله قرار داد، به سابقه همکاری صلیب سرخ با جمهوری اسلامی برای بازگرداندن مهاجرین افغانی از ایران به افغانستان تحت حاکمیت طالبان اشاره کرد و اعلام کرد که ما اجازه نخواهیم داد این سیاست غیرانسانی و ارتجاعی تکرار شود. نماینده صلیب سرخ که انتظار چنین اعتراض وسیع و سازمان یافته ای را نداشت، ضمن معذرت خواهی تقاضا کرد که کنفرانس پایان داده شود. او گفت که آنها به هیچ عنوان قصد نداشتند خشم و انزجار ما را برانگیزند و به هیچ عنوان هدف این نبوده است که برای جمهوری اسلامی آبرو بخرند.

روز دوشنبه ۶ مه کنفرانس مشترکی که توسط اداره مهاجرت، مقامات قضائی سویس و صلیب سرخ در تبانی با جمهوری اسلامی تدارک دیده شده بود، با دخالت کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، فراسیون سراسری پناهندگان، پناهجویان معترض و مخالفین جمهوری اسلامی، به شکست کشانده شد. قبل از آن طی نامه ای رسمی از سوی مقامات قضائی و اداره مهاجرت سویس و با وساطت صلیب سرخ جهانی اعلام شده بود که برای برگرداندن پناهجویان به آنها مبلغ دوهزار فرانک داده خواهد شد. در این نامه به طور غیر رسمی ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی امن معرفی شده بود. اگر این طرح به سرانجام میرسید، زمینه ای میشد که در سایر کشورهای اروپائی نیز به اجرا درآید، اما اعتراض سازمان یافته و وسیع و دخالت حزب کمونیست کارگری کنفرانس را به صحنه اعتراض وسیع علیه دولت سویس و صلیب سرخ و کيفرخواست علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد، نماینده

فاشیسم در پاریس فاشیسم در تهران

کاظم نیگخواه



دو هفته پیش دنیا با راه یافتن ژان ماری لوین رهبر "جهه ملی" فرانسه به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری شوکه شد. مردم به خیابانها ریختند، تظاهرات کردند، و در حمایت از انسانیت و حقوق انسانی پناهندگان و مهاجرین تلاش کردند وجدان همگان را نسبت به رویدادی که یاد آور کابوس دهشتناک جنگ دوم جهانی بود بیدار کنند. در فرانسه دو هفته تمام هرروز خیابانها پر بود از مخالفین لوین و حزب او. در روز اول ماه مه در پاریس بیش از نیم میلیون نفر و در کل فرانسه قریب دو میلیون نفر به خیابانها آمدند و علیه نژادپرستی و در حمایت از پناهندگان شعار دادند. و این منحصر به فرانسه نبود. اروپا در روز اول مه علیه نژادپرستی به حرکت در آمد. و

موضعگیری اتحادیه اروپا در قبال سازمان مجاهدین محکوم است!

حزب کمونیست کارگری اتحادیه اروپا را قویا محکوم میکند و از کلیه سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی میخواهد که صرفنظر از درجه نزدیکی یا دوری سیاست شان با سازمان مجاهدین خلق، اتحادیه اروپا را بخاطر مداخله آشکار به نفع جمهوری اسلامی و ضدیت با اپوزیسیون محکوم کنند.

۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا پس از نشستی در بروکسل نام "سازمان مجاهدین خلق ایران" را در زمره گروههای تروریستی در سطح جهان اعلام کردند. این اقدام یک بده و بستان سیاسی دولت های اروپائی با جمهوری اسلامی، دفاع آشکار از آن و دشمنی با اپوزیسیون جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مه ۲۰۰۲

صفحه ۲

کشف آشفتگی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



"فرانسه برای فرانسویان"، "توقف ورود پناهندگان به فرانسه"، "اخراج پناهندگانی که اقامت قانونی ندارند" و اعمال بعضی محدودیت ها بر خارجیان و نظایر اینها. هرکس این شعار ها را در اروپا میشنود بلافاصله میفهمد که با جریانی شبیه نازیسم هیتلری روبروست.

در همین روز اول مه روزی که بعنوان روز همبستگی بین المللی کارگران شناخته میشود، در تهران نیز تجمعاتی برپا شد. در یکی از این تجمعات که خانه کارگر رژیم آتزا سازمان داده بود، ایادی خانه کارگر و مسئولین تظاهرات بر شعار "کارگر خارجی اخراج باید گردد" کوبیدند. حتی لوین و سایر رهبران فاشیست دنیا بسادگی اینچنین از اخراج پناهندگان و خارجیان به صراحت سخن نمیگویند، چه رسد به اخراج کارگران خارجی آنهم در روزی که قرار است همبستگی بین المللی کارگران به نمایش در آید. اما خانه کارگرها با وجود خصومت ورزی هیستریک چندین ساله علیه کارگران خارجی و بویژه افغانستانی ظاهراً جزو فاشیستهای ایران بحساب نمی آید. طنز مسئله همینجاست که در پاریس و اروپا به جانورانی از این دست میگویند نژاد پرست و فاشیست و ضد بشر و ضد آزادی، اما در تهران و در فرهنگ اپوزیسیون ملی کرا و منحنط ایرانی اینها را اصلاح طلب و مدافع جامعه مدنی میخوانند! همین ها که سالهاست با جدیت برای اخراج و بیحقوقی کارگر افغانستانی و عراقی و "غیر ایرانی" تلاش کرده اند، بهمراه خیل دیگری از جریانات دولتی و غیر دولتی از همین قماش به زعم خودشان قرار بود و گویا هنوز هم قرار است آزادی و جامعه مدنی را به صحنه ایران باز گردانند! خانه کارگر بهمراه کل حکومت توحش اسلامی سرمایه داران جریانی اروپاخرته و رسواست. جنب و جوش اینها اهمیت ویژه ای در صحنه سیاسی ایران ندارد. اما این آبروباختگی هنوز آنطور که سزاوار است شامل جریان و تفکر ملی گرایی نمیشود. واقعیت اینست که ملی گرایی و ناسیونالیسم تنها یک گام تا فاشیسم فاصله دارد. در پس ستایش مام وطن و سرزمین پدری و زادگاه مادری که اینچنین هم در ادبیات مجاز و رسمی و هم نشریات و تبلیغات اپوزیسیون ملیگرایی ایرانی

موج میزند، خصومت و تحقیری آشکار نسبت به پناهندگان و هرکه زادگاهش ایران نیست جا گرفته است. ناسیونالیسم به بن بست رسیده همه جا در قامت فاشیسم تمام عیار متولد میشود و آماده است تا انسانها را بخاطر رنگ پوست و زادگاه و زبان و فرهنگشان به بدترین نحوی مجازات کند. این گرایش و جریانی است که با حاکمیت طبقه سرمایه دار زاده شده است و بهمراه بحرانیهای سرمایه داری در اشکال و نامهای گوناگون اما به یک میزان وحشی و جنایتکار و ضد انسانی ظاهر می شود. شعارهای "ایران برای ایرانیان" و "ای ایران ای مرز پرگهر" و امثال اینها وجه مشترک یک طیف رنگارنگ سیاسی است که از مدافعین نظام سلطنتی تا چپهای مدافع سوسیالیسم نوع روسی و احزاب رسمی و غیر رسمی اسلامی را در برمیگیرد. اینها نشان داده اند که اگر نه بیشتر حد اقل بهمان اندازه خانه کارگرها با کارگران خارجی و پناهندگان خصومت می ورزند. اگر خانه کارگرهای رژیم جرات میکنند در روز اول مه به خیابان بریزند و سیاه روی سفید برای کارگران افغانستانی و همه پناهندگان خط و نشان بکشند، پشتشان به همین مرداب ناسیونالیسم ایرانی گرم است. اما آیا افکار و اذهان عمومی در ایران علیه این جرمومه فساد و تباهی بحد کافی واکنیسته شده است؟ کزچه کارنامه سیاسی تمام جریانات ناسیونالیست ایرانی پر است از لکه های تاریک و تنگ آوری که برای همگان شناخته شده است اما تا آنجا که به ناسیونالیسم به عنوان یک گرایش و ایدئولوژی مربوط میشود نمیتوان به این سوال با قطعیت جواب مثبت داد.

در همان روز اول مه در گوشه ای دیگر از تهران کارگران فلزکار جمع شدند و قطعنامه ای صادر کردند که در آن از جمله تاکید شده بود "ماخواهان حقوق برابر کارگران مستقل از ملیت و نژاد هستیم." دهها تجمع کوچکتر در روز اول مه در گوشه و کنار ایران شکل گرفت که بر همبستگی بین المللی کارگران مستقل از ملیت و زادگاه تاکید داشتند. روشن است که در زیر جو شبه حکومت نظامی ای که حکومت اسلامی در اول مه ایجاد کرده بود جریان مترقی و انساندوست و انترناسیونالیست نمیتوانست تمام نیرو و قدرت واقعی خویش را که بسیار قدرتمند تر از اینهاست در خیابانها

کشف آشفتگی

مصطفی صابر



ملی" را خالی کرد و به افراطیون جناح راست پروبال داد. از سوی دیگر در همین هفته، دعوی درونی فرامکسیون جناح موسوم به دوم خرداد در مجلس، که تا یکدقدهم انشعاب رفت، شاهدی بود بر آنکه "آشفتگی" در بین جناح دولتی که قبلاً "جنبش دانشجویی" و تحکیم وحدتشان را درنوردیده بود، حالا به قلب "جبهه دوم خرداد" رسیده است. در میان دوم خردادی های خارج از حکومت نیز وضع بهتر نبود. برای مثال کنگره اکثریتی ها در دو هفته قبل تر، که "از زور تمرین دمکراسی" هیچ تصمیمی نتوانسته بود بگیرد، نشان داده بود که در بین حامیان خاتمی در اپوزیسیون نیز جز "آشفتگی" حاکم نیست. پس آقای خاتمی مبتکر "گفتگوی تمدنها" در سخنرانی فوق الذکر یکبار دیگر، اگر چه با حجب و حیا و معمول خویش، از واقعیت عظیمی خبر داده بود: آشفتگی.

ولی خاتمی که میداند کی لیخند تحویل دهد، بموقع گریه کند، وقت خودش فریاد بیصدا سر دهد، جای جایش باتوم بکشد، کی چنان چاپلوسی کند، کجا سکوت کند و وقت مناسب نعره بزند، مقصود مشخصی از اعلام دیر هنگام کشف مذکور دنبال میکرد. او هم مثل همه آنهای دیگر خوب میداند که رژیم اسلامی در یک بن بست و فلج کامل اقتصادی است. از لحاظ سیاست خارجی از همه سو محاصره شده است، و مهمتر از همه مردم در حال انفجارند. او دارد میکوشد با کمی صدایش را بلند کردن و تهدید استعفا کردن مگر فضا و جو ملتتهب جامعه را متوجه خود کند و از اینطریق آتزا کمی آرام نماید. در عین حال او میکوشد بهمین واسطه از جناح رقیب خرده امتیازی بگیرد. "وفاق ملی" که نشانگر سطح معینی در تعادل قوا و یا جنگ و دعوی جناح ها بود پایان یافته است. بر متن وخامت وضع داخلی و خارجی جمهوری اسلامی دوره ای قدری متفاوت در دعوی جناح ها شروع شده است. البته قرار نیست تغییرات جدی صورت پذیرد. بلکه مسابقه اساساً بر سر خریدن وقت است. "وفاق ملی" بیش از یکی دو ماه طول نکشد. به نظر نمیرسد این یکی طولانی تر باشد. ■

است و به "گله و شکایت" از "جفاکاران" پرداخت که "پشت پرده یک چیز دیگر میگوند." آقای خاتمی برای اینکه ایجاد "آشفتگی" بیشتر نکند، بقیه حرفهایش را البته فرو داد تا در فرصت مناسب بعدی جهت اطلاع ملت قهرمان ایران به روی اکران بیآورد. فقط ضمن تاکید بر اینکه دولتش در خط اصلاحات پیش رفته، به این بسنده کرد که اگر نگذارند به راهش ادامه دهد، کنار میروند. "آشفتگی"، "استعفا"، "قروباشی"، "فریاد های بیصدا"، "رازهای مگوی خاتمی" و نظیر اینها، کلمات بزرگ روزنامه های رژیم در روز بعد شد. برخی گفتند شوخی میکنند. برخی جواب دادند خیر، خیلی جدی است. برخی گفتند فریاد در گوش های ناشنوا چرا. کیهان نوشت "آن مسئول بلند پایه" که تهدید به استعفا میکند را زودتر کنار بگذارید. رسالت نوشت باید خاتمی را از رادیکالها جدا کرد. بهرحال، انکار نه انکار که یکجفتهد قبل، همین روزنامه ها و رسانه ها را سراسر "وفاق ملی" فرا گرفته بود.

"وفاق ملی" به نظر میرسید از سوی محافل "معتدل" جناح راست و با همکاری "قدرت پرستان" جناح رقیب هدایت میشد. مذاکره با آمریکا که در محور "وفاق ملی" قرار داشت، بنا به شواهد گوناگون زیر نظر رفسنجانی و بقول "اکونومیست" با شرکت پسرش، و بهر حال از بالای سر وزارت خارجه پیش برده میشد. برخی ها (از جمله یزدی) به "آتش بس" و "پایان جنگ سرد" جناح ها، که ظاهراً از برکات مسلم "وفاق ملی" بود، بسی دلخوش کرده بودند. اما سخنان خامنه ای در هفته گذشته علیه مذاکره با آمریکا، صحنه را یکبار عوض کرد. این سخنان میتواند نشانه ای از "آشفتگی" جدی در بالاترین سطوح جناح راست باشد. اما هرچه بود، زیر پای وفاق

در حالیکه روزنامه ها با افتخار و آب و تاب از کوبیدن پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی ایران و زاهدنمای تعیین جهت قبله" در قطب شمال خبر دادند؛ در حالیکه در تهران دختران معصوم و قایقران فلک زده بخاطر فقدان کمترین امکانات ایمنی حین قایق سواری در حوض پارکشهر از مرکز تهران جان خویش را از دست دادند؛ در حالیکه یک باز دیده کننده غرغه یکی از روزنامه های دوم خرداد در دفتر مربوطه نوشت "اصلاح طلبان عزیز تا کی میخواهید ما را فیلم کنید؟" در حالیکه رئیس قوه قضاییه از ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار "زندانی موقت" در سال خبر میداد؛ در حالیکه دانشجویان چندین دانشگاه به واسطه پیدا کردن سوسک و سرنگ در ظرف غذا و یا جدا کردن دختران و پسران در محیط دانشگاه در اعتصاب بودند؛ در حالیکه کارگران چندین کارخانه به عدم دریافت همان دستمزدهای فوق زیر خط فقر اعتراض داشتند؛ و در حالیکه خاتمی در جلسه با "معلمان نمونه" گفت که در پاسخ به خواستههای معلمان دولت کاری نخواهد کرد؛ یکبار، در همان جلسه، رئیس جمهور با جسارت بی مانندی اعلام کرد که وضع "آشفتگی"

به نمایش بگذارد. در ایرانی که مردمش از زیر چکمه حکومت اسلامیون و ملیون خود را خلاص کرده باشند جایی برای دشمنی با انسانها بخاطر زادگاهشان وجود نخواهد داشت. اما برای رسیدن به چنین نقطه ای و برای ایجاد جامعه ای که در آن همه انسانها مستقل از زادگاه و رنگ و نژاد و ملیت از حقوق و احترام برابر برخوردار باشند از هم اکنون باید بطور جدی تلاش کرد. نه فقط چهره واقعی ناسیونالیسم را باید افشا و رسوا کرد بلکه با آن جبهه بین المللی فریب کاری و شارلاتانیسم نیز که نژادپرستی و فاشیسم را در پاریس و لندن تقبیح میکند اما معادل آن در تهران را اصلاح طلب و متمن میخواند باید بطور جدی در افتاد. ■

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org www.jawanan.org
www.wpibriefing.com www.iwsolidarity.com
www.rowzane.com www.medusa2000.com
www.hambastegi.org www.marxsociety.com
www.childrenfirstinternational.org www.kwvpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England